



۲۰۱۸/۰۵/۰۱

حامد نوید

خاطره ها

به پسر حمزه:

امروز اول ماه می مصادف است به روز تولد پسر حمزه که در هنگام تولدش این شعر را برایش سرودم. چون او مانند هزاران طفل دیگر افغان دور از خاک وطن چشم به جهان گشود، خواستم این سروده را با همه هموطنانیکه فرزندان شان در عالم هجرت پا به جهان مانده اند شریک سازم.



خاطره ها

اي آمده تازه به جهان اي پسر من اي روشني چشم و فروغ سحر من
اي چهره معصوم تو چون صبح بهاران وي خنده تو نغمه اشعار تر من

با آمدنت رفته چنان قلب من از خویش
کز سینه برون گشته و نايد به بر من

اي پابه جهان مانده در عالم غربت بس دور زخاک من و زبوم و بر من
داني زکجا آمده ئي اي گل خندان اي خفته به ناز و زجهان بيخبر من

اکنون که تو در خوابی و مادر به کنارت
آید همه شب یاد عزیزان به سر من

فردا که رود پیک صبا جانب خورشید وان خاطره ها زنده شود، در نظر من
پرواز کند مرغ دلم سوی دیاری کز یاد گرامیش تپد دل به بر من

خواهم چو نسیمی بوزم باز در آن خاک
ایکاش شود هُدهُد دل نامه بر من

آنجا که بود هر قدمش یاد عزیزِ آنجا که بود شام سیاهش سحر من
آنجا که بود مأمن اجداد شریف وانجا که بود مهد گرامی پدر من

آنچه که به خواب است مرا مادر پر مهر
و آنجا که سرشتند ز خاکش گهر من

تو زاده آن خاکی و آن خاک از آنت این نکته فراموش مکن ای پسر من
آندم که شوی مرد برومند زمانه و آنگه که تو باشی و نباشد اثر من

هرگه که مرا یاد کنی یاد وطن کن
تا خاطره ها باز بگویند در من

حامد نوید. شفاخانه جورج تون

واشنگتن دی سی

اول ماه می ۱۹۸۶